

نوع مقاله: پژوهشی

تطبیق و بررسی رویکردهای الهیاتی و غیر الهیاتی در حوزه منابع زیستی و طبیعی

سیدمجتبی جلالی / استادیار گروه معارف دانشگاه شهرکرد

s.m.jalali@sku.ac.ir  orcid.org/0000-0002-3435-5817

alitaHERIDEHNAVI110@gmail.com

علی طاهری دهنوی / کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه شیراز

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۱ - پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۲

چکیده

مسائل محیط‌زیستی و منابع طبیعی از اهمیت بسزایی در جوامع انسانی برخوردار است؛ لذا شناخت رویکردهای متفاوت درباره آنها نقش بسزایی در سلامت، بهداشت، رشد، حیات و بقای انسان و جانداران دارد. هدف پژوهش، بررسی تطبیقی رویکردهای الهیاتی و غیر الهیاتی در حوزه منابع زیستی و طبیعی است. سؤال پژوهش بررسی چگونگی رویکردهای الهیاتی در حوزه منابع زیستی و طبیعی است. پژوهش حاضر به روش توصیفی- تحلیلی صورت پذیرفته است. از یافته‌های پژوهش و در مقام مقایسه دیدگاه‌ها می‌توان به این نتیجه دست یافت که دیدگاه‌های غیرتوحیدی عموماً قائل به احترام به طبیعت و پرهیز از ضرر به آن‌اند که در این حوزه با دیدگاه توحیدی مشترک‌اند؛ با این تفاوت که در دیدگاه‌های توحیدی، انتساب طبیعت به خداوند مورد توجه بوده و وظایفی در این باره تعیین شده است؛ اما طبیعت در آموزه‌های اسلام در مقیاسی بالاتر از سایر مکاتب غیرتوحیدی و توحیدی مورد تأیید قرار گرفته و ضمن تأکید بر انتساب به خداوند متعال، در سه حوزه قرآن، احادیث و عقلائیات، به‌طور مبسوط به تبیین احکام، آثار و وظایف انسان‌ها در قبال آن پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: منابع طبیعی، رویکرد غیر الهیاتی، رویکرد الهیاتی، رویکرد اسلامی.

با گسترش روزافزون فناوری و علوم مختلف، استفاده از منابع طبیعی و محیط‌زیستی، به‌ویژه آب، افزایش یافته و افراط و تفریط‌هایی در اثر برخورد رویکردهای جوامع بشری در قالب ادیان یا تفکرات سیاسی، فرهنگی و... توسعه یافته است. این مهم سبب شده است تا این موضوع به‌صورت یک بحث راهبردی و سیاسی جلوه کند و کشورهای مختلف در راستای کسب و حفظ این منابع، تمام توان و سرمایه خود را مصروف دارند. ریشه اصلی این مشکل می‌تواند رویکرد و ایدئولوژی جوامع درباره این منابع باشد. این رویکرد، گاهی توسط ادیان توحیدی ارائه می‌شود، گاهی توسط افراد وابسته به این ادیان، که در قالب دیدگاه توحیدی یا غیر آن نمود می‌یابد؛ لکن مسئله مهم کثرت دیدگاه‌هایی است که در این زمینه وجود دارد که خود سبب شده است تا افراد مختلف جامعه جهانی با توجه به تعدد سلیقه، مجذوب رویکردهای غیرصحيح شوند که لازمه آن، نابودی منابع طبیعی و محیط‌زیستی و افراط و تفریط در جوامع است.

در زمینه پیشینه، پژوهش‌های گوناگونی با عناوین درون‌دینی انجام شده است؛ نظیر: «اخلاق زیستی؛ تعاملی میان فلسفه و الهیات» (محقق داماد، ۱۳۸۵)؛ «ارزش ذاتی و ارزش ابزاری در فلسفه محیط‌زیست» (فهیمی و مشهدی، ۱۳۸۸)؛ «الهیات محیط‌زیست» (محقق داماد، ۱۳۹۳)؛ «تأثیر رویکردهای دینی در مخاطرات و حوادث غیرمترقبه طبیعی و تحمل آسیب‌های بعد از حادثه» (سپهری، ۱۳۸۸)؛ «تحلیلی بر مبانی فلسفی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست» (فرخنده‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۷)؛ «پاسداری از منابع طبیعی در راستای اصول اخلاق زیستی و حفظ سلامت انسان از دیدگاه قرآن» (دودمان کوشکی، ۱۳۸۸)؛ «مبانی معرفت‌شناسانه اسلامی در محیط‌زیست» (فغفور مغربی، ۱۳۹۰)؛ «محیط‌زیست از منظر قرآن» (فتابی، ۱۳۹۴)؛ و «مبانی اخلاقی محیط‌زیست از نگاه اقتصاد متعارف و قرآن» (فراهانی‌فرد و محمدی، ۱۳۸۸)؛ منتها با تفحص صورت‌گرفته، پژوهشی که دیدگاه‌های مختلف را در این حوزه به‌صورت تطبیقی مورد کاوش قرار داده باشد، صورت نپذیرفته است.

از ضرورت‌ها و اهمیت‌های بحث، آشنایی با رویکردهای مختلف الهی و غیرالهی در حوزه منابع طبیعی و شناخت دیدگاه صحیح در این زمینه است. از نوآوری‌های بحث، نگاه تطبیقی و بین‌الهیاتی میان ادیان در نگاه به حوزه طبیعت و محیط‌زیست است. سؤال اصلی پژوهش، چگونگی رویکردهای الهیاتی در حوزه منابع زیستی و طبیعی است، که به تبع آن، پرسش‌هایی مطرح می‌شود؛ همچون: رویکردهای غیرتوحیدی در زمینه منابع طبیعی و محیط‌زیستی چگونه است؟ رویکردهای توحیدی در زمینه منابع طبیعی و محیط‌زیست چگونه است؟ آیا امکان ارائه یک رویکرد جامع در تقابل رویکردهای توحیدی و غیرتوحیدی وجود دارد؟. از فرضیه‌های بحث مذکور می‌توان به اهمیت منابع طبیعی و زیستی در جهان، نقش ادیان در توجه به منابع طبیعی و رشد روزافزون علم و فناوری در حوزه نگاه به طبیعت، اشاره کرد. پژوهش حاضر به‌روش توصیفی - تحلیلی انجام پذیرفته است.

۱. رویکردهای غیرتوحیدی درباره منابع طبیعی و محیط زیست

این رویکرد شامل رویکرد الحادی، رویکرد انسان محور، رویکرد اِکوفمینیسم، رویکرد اکولوژی ژرف، رویکرد شهروند زیست محیطی لیبرال، رویکرد جامع نگر و رویکرد طبیعت محور می شود.

۱-۱. رویکرد الحادی

کامستوگ ال. گئری در مقاله خود نخست ثابت می کند که ادیان الحادی لزوماً بوم محور نیستند و ممکن است انسان محور متصلب باشند. وی سپس رابطه طبیعت و خدا را در ادیان خداپاوار به شش نوع تقسیم می کند که هر یک پیامدهای خاص خود را بر روی رابطه انسان با طبیعت دارند. این شش رابطه عبارتند از:

الف) خدا به عنوان خصم طبیعت: قاتلان به تئویت، که عالم مادی را خصم خداوند، یعنی شر ضروری می دانند؛
ب) خدا به عنوان مالک طبیعت: خداوند مالک جهان و در نتیجه بهبوددهنده دارایی های خود است (گئری، ۱۳۸۷)؛
ج) خداوند به عنوان ناجی طبیعت: براساس مابعدالطبیعه خداپاورانه پولس، طبیعت شرایط خاصی در پیشاهبوط داشته است. آن شرایط در ابتدا و پایان، فاقد مرگ، فساد و مصیبت است. بنابراین، طبیعت نمی تواند معیارهای اخلاقی در اختیار ما قرار دهد و باید با هدایت های الهی از طریق وحی به بازسازی طبیعت پرداخت. اگر خداوند را ناجی طبیعت بدانیم، طبیعت نیز به نجات ختم خواهد شد (همان)؛

د) خداوند به عنوان شوهر طبیعت: این دیدگاه خدا را عاشق زمین و موجودات و انسان را حاصل پیوند خدا و زمین می داند؛

هـ) خدا تجسم یافته در طبیعت: طبیعت صورت ظاهری و تجسم خداست. لوازم اخلاقی دیدگاه تجسم، در جبهه موافق با محیط زیست قرار دارد؛ زیرا زمین صورت مادی خداوند است و احترام به آن واجب است و خدا چیزی جز طبیعت نیست؛ خدا همان طبیعت است (همان).

در برخی از این دیدگاه ها، طبیعت چهره ای نامطلوب و حتی در خصومت با خداوند قلمداد می شود. در پارهای دیگر، به نوعی احترام به طبیعت و مراقبت از آن به منزله احترام به خداست؛ چراکه طبیعت به نوعی با خداوند در ارتباط است. هر چند در دیدگاه های توحیدی، نوع ارتباط خداوند با طبیعت از نوع همسری یا هم هویتی نیست، اما با تعبیر گوناگون، طبیعت را به خداوند مرتبط می سازند؛ مثلاً طبیعت را ملک خداوند، نشانه های خداوند، تجلیگاه جمال خداوند، مراتب و شئونی از خداوند و... می دانند. این ارتباط، به هر شکل و نوعی که باشد، طبیعت را قابل احترام می سازد (پارساپور، ۱۳۹۱).

۱-۲. رویکرد انسان محور

رویکرد انسان محور مبتنی بر سه اصل است: الف) اصل ناظر بر ارزش گذاری در هستی براساس انسان؛ ب) بشر آزاد بر انجام عملی است که به آن مایل است؛ به شرط اینکه آسیبی به خود و دیگران نزند؛ ج) ارزش تنها برای اشیایی است که مورد استفاده انسان است و در تصمیم گیری درباره امور نیک محاسبه می شوند.

البته استناد به این سه اصل، ممکن است به تخریب محیط‌زیست بینجامد؛ اما می‌دانیم که هر چیز در محیط‌زیست و منابع طبیعی ارزش ذاتی دارد؛ هرچند انسان از آن استفاده نکند (بنسن، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۵). در این رویکرد، طبیعت فاقد ارزش ذاتی و معنوی است و صرفاً ماهیتی ابزاری دارد. نتایج زیان‌بار این رویکرد برای محیط‌زیست، سلطه بر طبیعت برای کسب ثروت و قدرت و تبدیل شدن طبیعت به منزله کالاست (طاهرپور و همکاران، ۱۳۹۵). رویکرد انسان‌محور، هر عملی را با توجه به منافع انسانی جایز می‌شمارد و ناظر بر بقای انسان، رفع نیازهای او، کیفیت حیات انسان در مقابل گونه‌های جاندار و بی‌جان دیگر است. بنابراین، حفاظت از محیط‌زیست تنها برای منافع انسانی و به‌دنبال تأمین مؤلفه‌های کیفی زندگی انسان صورت می‌پذیرد. به عبارتی، هرآنچه در محیط‌زیست برای انسان دارای ارزش اقتصادی و بهره‌بردار باشد، باید از آن صیانت کرد. در نظریه انسان‌محوری، سخن از حقوق محیط‌زیست بشر تنها بر منافع و انتفاع نوع انسان متکی است و بذاته فاقد ارزش است و این انسان و نیازهای اوست که مقدم بر حفاظت از محیط‌زیست است (حبیبی، ۱۳۸۲)؛ بنابراین می‌توان گفت که رویکرد یادشده، تنها ملاکی را که درباره محیط‌زیست ارجح می‌داند، انسان و منافع اوست و انسان است که ارزش دارد و اهداف او موضوع داوری اخلاقی است و محیط‌زیست فقط ابزاری است که در خدمت انسان است و حفظ محیط‌زیست انسانی نسبت به محیط‌زیست‌های دیگر از اولویت ذاتی برخوردار است (فهمی و مشهدی، ۱۳۸۸؛ حسینی و محمدی، ۱۳۹۶).

۱-۳. رویکرد اکوفمینیسم

جنبش اکوفمینیسم رویکردی است که توسعه آن از اواخر ۱۹۷۰م تا اوایل ۱۹۸۰م صورت پذیرفته است (مالوری، ۲۰۱۳، ص ۱۷۱-۱۸۹). این رویکرد مدعی است که میان زنان و محیط‌زیست پیوندهای خاصی وجود دارد. دلایل ایشان، بازگشت به کارکرد مشترک عناصر بازتولید در طبیعت و بارداری در زنان است. بدین ترتیب معتقدند که به زنان ظلم شده است و علت این ظلم، حاکمیت عقلانیت مذکر است؛ لذا همین دلیل سبب ارتباط ناصحیح بین انسان و طبیعت شده است و تنها راه پایان یافتن این ظلم را پایان ظلم به زنان می‌دانند (طاهرپور و همکاران، ۱۳۹۵). در این رویکرد، پیشینه در حاشیه قرار گرفتن زنان به دوران یونان باستان بازمی‌گردد. در یونان باستان از دید برخی همچون /ارسطو، زنان و بردگان جزء شهروندان محسوب نمی‌شدند؛ لذا باید در امور سکوت می‌کردند؛ اما این سکوت، برای مردان جایز نبود؛ مردان باید صحبت می‌کردند و دیگران گوش می‌دادند. زنان بین این سکوت خود و سکوت طبیعت و نگاه سلسله‌مراتبی‌ای که در آن، مردان در رأس و زنان و طبیعت در سطح پایین‌تر قرار دارند، رابطه برقرار می‌کنند. براین اساس، شهروند اکوفمینیستی تلاش می‌کند این نگاه سلسله‌مراتبی به زنان و طبیعت را به‌چالش بکشد و به بهبود جایگاه طبیعت و خودش بپردازد (پتوس، ۱۹۹۷، ص ۱۳۱-۱۵۵).

۱-۴. رویکرد اکولوژی ژرف

مفهوم رویکرد اکولوژی ژرف در سال ۱۹۷۳م توسط آرنی تائس به کار برده شد و در طول یک دهه گسترش یافت. اکولوژی ژرف در برابر اکولوژی سطحی به کار می‌رود. دغدغه اکولوژی ژرف، مسائل محیط‌زیستی در ابعاد وسیع و با توجه به ارزش ذاتی آنهاست؛ بنابراین کل موجودات را هدف قرار می‌دهد و به نوعی اتحاد بین انسان و کل موجودات معتقد است و ساختارهای عمیق اقتصادی جامعه را محور تحلیل خود قرار نمی‌دهد؛ اما اکولوژی سطحی، نگرانی بابت محیط‌زیست را در ردیف‌های بعد از تأمین منافع انسانی قرار داده است (پالمر، ۱۳۹۰، ص ۱۳۶).

۱-۵. رویکرد شهروند زیست‌محیطی لیبرال

اثربخیزی این رویکرد از آموزه‌هایی که انسان نسبت به طبیعت محور اصلی آنهاست، بیشتر است. انسان متعهد و دارای رفتار مسئولانه در برابر محیط‌زیست، در این رویکرد مورد تأکید قرار گرفته است. این رویکرد، شهروند زیست‌محیطی را از زاویه حقوق و وظایف متقابل شهروندان در قبال محیط‌زیست می‌نگرد و بر حقوقی همچون برخورداری از محیط‌زیست سالم و مشارکت در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری درباره آن تأکید دارد و براساس این حقوق، بر فرمان‌برداری شهروندان در برابر قوانین زیست‌محیطی عادلانه و ارتقا و ترویج عدالت زیست‌محیطی در سرتاسر جهان تأکید می‌کند (بل، ۲۰۰۵، ص ۱۷۹-۱۹۴). این امر، نه به دلیل ارزش ذاتی و ماهیت مقدس طبیعت، بلکه برای جلوگیری از آسیب زدن به انسان است.

۱-۶. رویکرد طبیعت‌محور

دیدگاه این رویکرد، متمرکز بر محیط‌زیست و طبیعت فی‌نفسه است؛ لذا به هیچ وجه انسان و منافع مادی او در این رویکرد مطرح نیست. به نظر می‌رسد که رویکرد طبیعت‌محور، فارغ از منافع یا مضرات، انسان را وادار به حفظ محیط‌زیست طبیعی می‌کند و سبب می‌شود تا انسان، هم حوزه محیط‌زیست طبیعی و هم محیط‌زیست انسانی را حفاظت کند (فهیمی و مشهدی، ۱۳۸۸). البته ناگفته نماند که طرفداران این رویکرد ممکن است تا جایی پیش روند که برای انسان و حقوق آن ارزشی قائل نشوند؛ لذا به نظر ایشان، اغلب قوانین و مقررات محیط‌زیستی انسان‌محورند و باید به طبیعت‌محور تغییر یابند (حسینی و محمدی، ۱۳۹۶).

۱-۷. رویکرد جامع‌نگر

نگاه کلی به چرایی قوانینی که اعضای حقیقی و حقوقی جامعه باید رعایت کنند، از عواملی است که بر حیات انسان و موجودات دیگر و به طور کل بر محیط‌زیست مؤثر است (فهیمی، ۱۳۸۷). رویکرد جامع‌نگر، در تعامل میان ارزش ذاتی و ارزش ابزاری محیط‌زیست، که در فلسفه محیط‌زیست بیان می‌شود، به وجود می‌آید و میان آن دو تعادلی برقرار می‌کند؛ لذا بیان می‌کنند که جایگاه انسان در تعامل این دو ارزش، مدیریت است، نه مالکیت؛ بنابراین نمی‌توان صرفاً منافع یکی را بر دیگری ترجیح داد (فهیمی و مشهدی، ۱۳۸۸). این رویکرد،

ضمن اعتراف به تفاوت و اختلاف بین حفاظت از محیط‌زیست و حقوق بشر، معتقد است که هم‌پوشانی‌هایی بین اهداف این دو مؤلفه وجود دارد.

به‌نظر این رویکرد، تعارض و تقابلی میان حقوق بشر و محیط‌زیست نیست؛ چون انسان خود جزئی از محیط‌زیست است و حق دارد از آن بهره‌مند شود؛ اما این حق تا جایی است که باعث خسارات جبران‌ناپذیر نشود و همچنین تعهد کند که حقوق گونه‌های زیستی و غیرزیستی را نیز رعایت نماید. از نظر این رویکرد، انسان تنها موجود روی زمین نیست؛ اما تنها وجود باشعوری است که می‌تواند از محیط‌زیست حفاظت کند. بنابراین، انسان باید مدیر شایسته‌ای برای حفاظت از منابع محیط‌زیست باشد تا هم از آن بهره‌برد و هم آن را حفظ کند. نظر این رویکرد، تأمین منافع انسان و رعایت حقوق بشر با محافظت از محیط‌زیست و رعایت حقوق محیط‌زیست و تأمین منافع محیط‌زیست از طریق حقوق بشر است (حسینی و محمدی، ۱۳۹۶).

در مقام جمع‌بندی و تحلیل می‌توان گفت:

۱. در رویکرد غیرتوحیدی و در نگاه الحادی، گاه با نگاه منفی‌نگرانهٔ ثنویت، از خداوند به‌عنوان خصم طبیعت یاد شده است و در مواردی با یک دید مثبت، از خدا به‌عنوان مالک طبیعت و شوهر طبیعت تعبیر شده است؛ حتی در برخی دیدگاه‌ها، فراتر از این پیش رفته و خداوند را تجسم‌یافته در طبیعت یا خدا را عین طبیعت دانسته‌اند.
۲. در نگاه انسان‌محور در رویکرد غیرتوحیدی، انسان محور ارزش‌گذاری است که به‌شرط عدم آسیب به دیگران، آزاد است و تنها اشیای مورد استفادهٔ انسان‌ها دارای ارزش است. بنابراین، طبیعت فاقد ارزش ذاتی و معنوی است و صرفاً ماهیتی ابزاری دارد.
۳. براساس رویکردِ کوفمینیسیم تلاش می‌شود تا نگاه سلسله‌مراتبی به زنان و طبیعت به‌چالش کشیده شود و زنان به بهبود جایگاه طبیعت و خودشان بپردازند.
۴. در اکولوژی ژرف، مسائل زیست‌محیطی در بعد کلان آن و با توجه به ارزش واقعی و ذاتی سیارهٔ ما و کل موجودات آن مورد توجه واقع می‌شود و بر وحدت میان انسان و کل موجودات تأکید می‌گردد.
۵. رویکرد شهروند زیست‌محیطی لیبرال بر تربیت انسان متعهد در قبال محیط‌زیست تأکید می‌کند و شهروند زیست‌محیطی را از زاویهٔ حقوق شهروندان در قبال محیط‌زیست می‌نگرد.
۶. در رویکرد طبیعت‌محور، محیط‌زیست به‌معنای اعم خود، ارزش ذاتی دارد و به‌هیچ‌وجه انسان و مسائل و منافع مادی وی مطرح نیست؛ بلکه طبیعت فی‌نفسه و به‌خودی‌خود ارزشمند است.
۷. رویکرد جامع‌نگر، علاوه بر پذیرش تفاوت و اختلاف بین حفاظت از محیط‌زیست و حقوق بشر، بیان می‌کند که این اختلاف و تقابل، جدی نیست؛ چراکه انسان خود جزئی از محیط‌زیست است و حق بهره‌مندی از منابع طبیعی را دارد؛ اما این حق تا آنجاست که باعث خسارات جبران‌ناپذیر نشود و حقوق دیگر گونه‌های زیستی و غیرزیستی حفظ شود.

به نظر می‌رسد که در دیدگاه الحادی، با تعدد آرای مختلف مثبت و منفی درباره طبیعت و خداوند مواجهیم که گاه رابطه این دو را از مقوله تضاد و گاه این‌همانی پنداشته است؛ درحالی که در نگاه انسان‌محور، طبیعت به‌منزله ابزار است که حق انتفاع از آن، برای انسان است و این برخلاف آن چیزی است که در نگاه اکوفمینیسم، اکولوژی ژرف، شهروند زیست محیط لیبرال و طبیعت‌محور مطرح شده است؛ زیرا این رویکردها در مقام تبیین جایگاهی برای طبیعت‌اند تا در عین حق انتفاع از آن، از افراط یا تفریط در حوزه بهره‌مندی از آنها پرهیز شود و درواقع می‌توان رویکرد جامع‌نگر را ناظر به همین امر دانست.

۲. رویکردهای توحیدی درباره منابع طبیعی و محیط‌زیست

این رویکرد شامل رویکرد خالق‌محور، رویکرد یهودیت، رویکرد مسیحیت، رویکرد زرتشتی، رویکرد حیات‌محور و رویکرد اسلامی است.

۲-۱. رویکرد خالق‌محور

رویکرد خالق‌محور به دنبال بازگشت انسان به ارتباط صالح‌آمیز با طبیعت با توجه به آموزه‌های دینی است. براین اساس انسان و محیط‌زیست مخلوق یک خدایند (هافمن، ۲۰۰۴، ص ۷). از این رویکرد می‌توان چنین برداشت کرد که گرچه انسان‌ها در برابر یکدیگر دارای مالکیت خصوصی هستند، اما در مقابل خالق، هیچ مالکیتی ندارند؛ و اینکه طبیعت مسخر انسان است، تنها امانتی است که انسان از طرف خداوند، امین در نگهداری و نایب در تصرف است؛ لذا انسان باید حقوق مربوط به محیط‌زیست، اعم از حق زمین، آب، هوا، خاک، دریا، صحرا، کوه و دشت، گیاهان و حیوانات و سایر موجودات را رعایت کند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۳۸-۳۹). بدین ترتیب، انسان باید همان‌گونه که به حقوق افراد دیگر بشر احترام می‌گذارد، ارزش ذاتی موجودات طبیعی دیگر را نیز محترم شمرد. بنابراین، دوری از خدا و فراموش کردن شأن انسان در زمین و انسان‌شناسی، عوامل اصلی نابودی محیط‌زیست هستند. بحران زیست‌محیطی نشان از یک بیماری است که انسان مدرن از آن عاصی شده و برای اکتساب زمین، از آسمان دور گشته و به‌جای آسمان به زمین افتاده است و زمین را نیز به‌دلیل نداشتن آسمان، از دست می‌دهد (نصر، ۱۳۸۸؛ حسینی و محمدی، ۱۳۹۶).

۲-۲. رویکرد یهودیت

یهودیت از جنبه دینی دارای رویکردی است که خداوند را خالق هستی می‌داند و خشنودی او از این هستی است؛ لذا خشنودی‌اش بابت این است که جهان را کامل خلق کرده و سازوکاری در طبیعت قرار داده است که هر نوعی نوع خودش را تولید می‌کند. از نظر ایشان، خداوند در کتاب مقدس در داستان آفرینش، درباره انسان می‌فرماید: «و خدا گفت: آدم را به‌صورت ما و موافق شبیه ما بسازیم تا... حکومت کند» (ر.ک: عهد عتیق و عهد جدید، ۱۹۸۰؛ دارالسلطنه لندن، ۱۹۲۰؛ پورداوود و دیگران، ۱۳۶۴؛ کتاب مقدس (ترجمه قدیم)، ۱۳۸۴؛

کتاب مقدس عهد عتیق و عهد جدید، ۱۳۶۵؛ کتاب مقدس عهد عتیق و عهد جدید، ۱۹۰۱؛ کتاب مقدس فارسی، ۱۳۶۲؛ کتاب مقدس، ۱۳۷۹؛ کتاب مقدس، بی‌تا؛ گلن و هنری، ۱۳۷۹؛ گلن، ۱۸۵۶، آیه ۲۶-۲۹). از این جملات، نگاهی انسان‌محورانه و تملک‌گرایانه به طبیعت استنباط می‌شود. توجه به جمله‌های دیگر نشان می‌دهد که جهان طبیعت برای انسان خلق شده است؛ اما انسان باید در برابر آن مسئولیت داشته باشد. در این باره می‌توان به گفته‌های کتاب مقدس اشاره کرد: «خداوند آدم را در باغ عدن گذاشت تا در آن کار کند و از آن نگهداری کند» (همان: کتاب پیدایش، ۲: ۱۵). اقدام حضرت نوح علیه السلام به گردآوری موجودات و نجات جان آنها در طوفان، نمونه دیگری از احساس مسئولیت انسان در قبال جانداران محیط‌زیست است. در داستان آفرینش در این باره چنین آمده است: «و از تمام حیوانات، خزندگان و پرندگان یک جفت نر و ماده با خود به داخل کشتی ببر تا از خطر این طوفان در امان باشند؛ همچنین خوراک کافی برای خود و برای تمام موجودات در کشتی ذخیره کن» (همان: کتاب پیدایش، طوفان نوح، آیه ۲۱ و ۲۲).

بنابراین می‌توان استنباط کرد که از نظر تورات، محیط‌زیست و جهان برای انسان آفریده شده است تا از آن استفاده کند؛ اما این استفاده مطلق نیست؛ بلکه اجازه نابودی و تخریب داده نشده و مسئولیت حفظ آن به‌عهده انسان گذاشته شده است؛ اما چیزی که در رویکرد یهودیت مشهود و بارز است، فرمانروایی انسان بر طبیعت است و مسئولیت انسان در مقابل طبیعت، مستتر و پنهان‌تر است (طاهرپور و همکاران، ۱۳۹۵). طبیعت و محیط‌زیست در آیین یهود، نماد تجدید بیعت یا اتمام حجت خدا و مظهر مهر و قهر است. اگر فرمان‌های خداوند اجرا و مراعات شود، هوای تمیز، باران بسیار، آب پاک، گاوان گوشتین و چرمین، خاک بارور و... برای انسان خواهد بود؛ و اگر دستورهای خداوند اجرا نشود، زلزله، نابابوری، آفات نباتی، ریزش سقف، سیلاب، طوفان، قحطی و... به دنبال خواهد داشت (لاویان، ۱۳۸۰، ص ۱۴۴ و ۱۴۵؛ انصاری و لاجوردی، ۱۳۹۱).

۲-۳. رویکرد مسیحیت

الهیات زیست‌محیطی در مسیحیت بر این امور مبتنی است:

۱. خداوند منبع همه‌چیز است (عهد عتیق و عهد جدید، ۱۹۸۰؛ دارالسلطنه لندن، ۱۹۲۰؛ کتاب مقدس عهد عتیق و عهد جدید، ۱۳۶۵؛ کتاب مقدس عهد عتیق و عهد جدید، ۱۹۰۱؛ کتاب مقدس، بی‌تا؛ گلن و هنری، ۱۳۷۹؛ گلن، ۱۸۵۶؛ نامه اول پولس به مسیحیان قرنتس، بند ۵ و ۴؛ نامه پولس به مسیحیان افسس، بند ۱۰).
۲. همه مخلوقات خوب‌اند (همان: نامه اول یوحنا، بند ۱۹).
۳. انسان به‌طور انکارناپذیر به زمین وابسته است (همان: نامه یعقوب، بند ۷ و ۸).
۴. انسان سرپرست زمین است (همان: سرگذشت عیسی مسیح نوشته یوحنا، بند ۲۱).
۵. سقوط انسان علت سقوط زمین است (همان: سرگذشت عیسی مسیح نوشته لوقا، بند ۱۱ و ۱۲).
۶. همه آفرینش از نظر انسان مانند کلام خداوند است (همان: نامه پولس به مسیحیان افسس، بند ۱).

۷. علت رستگاری زمین، ظهور انسان به‌عنوان فرزندان خداست (همان: نامه‌ای به مسیحیان یهودی نژاد عبرانیان)، بند ۱۰ (۱۱ و ۱۲).

۸. رهایی انسان با طبیعت است، نه جدا و خارج از طبیعت (همان: سرگذشت عیسی مسیح نوشته مرقس، بند ۲۸ و ۲۹).

۹. زمین با بازگشت حضرت عیسی علیه السلام تباه نمی‌شود؛ بلکه آزاد و دگرگون می‌گردد (همان: نامه اول پولس به مسیحیان تسالونیک، بند ۵).

۱۰. زمین پس از بازگشت عیسی علیه السلام زمین جدیدی است که تعادل و توازن زیست‌محیطی را تجربه خواهد کرد (همان: نامه اول پولس به مسیحیان تسالونیک، بند ۵ و ۶).

رویکرد مسیحی ناظر به نگاه معنوی به طبیعت و تأثیر آن در سقوط انسان در بحران‌های زیست‌محیطی است (طاهرپور و همکاران، ۱۳۹۵).

۲-۴. رویکرد زرتشتی

در آیین زرتشت، رویکرد ستایش عناصر طبیعی و تقدیس آنها جایگاه ویژه‌ای دارد؛ چنان‌که در اوستا آمده است: «این آب‌ها و زمین‌ها و گیاهان را می‌ستاییم...» (گلدنر، ۱۳۸۱، یسنه، هات ۶ بند ۱۵؛ رایشلت، ۱۳۸۳، یسنه، هات ۶ بند ۱۵؛ دوستخواه، ۱۳۷۰، ص ۲ و ۱؛ پورداوود، ۱۳۸۱؛ فرمین، ۲۰۱۲؛ مرادی غیاث‌آبادی، ۱۳۹۲، یسنه، هات ۶ بند ۱۵). این‌گونه تقدیس از منابع طبیعی، از جمله آب، به‌معنای آن است که آب و این منابع از اهمیت بسیار زیادی برخوردارند و یک شخص معتقد به آیین زرتشت، علاوه بر آنکه باید در حفظ آنها کوشا باشد، باید آنها را ستایش کند. آبادانی جهان، خواست/هور/مزد و نیز زرتشت است و برای انسان پاداش اخروی در پی دارد؛ زیرا این جهان، زشت و شر تلقی نمی‌شود؛ بلکه جهانی زابای بارور و خرمی‌بخش است که آفریده/هور/به‌وساطت سپنته‌مینوست (همان، یسنه، هات ۴۷، بند ۳)؛ از این رو پارسایان آن را همواره آبادان می‌خواهند. در اوستا، آبادانی این جهان حتی هدف رسالت زرتشت دانسته شده است.

براساس گاهان، برانگیخته شدن زرتشت به‌دنبال ناله و فغان روان جهان (گوشورون) به درگاه/هور/مزد/از ویرانی و تباهی بود (همان، یسنه، هات ۲۹، بند ۱). خداوند نیز زرتشت را برانگیخت تا جهان را از شر و تباهی نجات دهد و آن را آباد سازد. بدین ترتیب، رسالت زرتشت و نیز ستایش او از موجودات به‌معنای نگهبانی و نجات آنان از نابودی و شاد ساختن آنها بود (عروج‌نیا، ۱۳۹۵). از این رو در اوستا آب، گیاهان و جانوران از آمدن زرتشت شادمان شدند (گلدنر، ۱۳۸۱؛ رایشلت، ۱۳۸۳؛ دوستخواه، ۱۳۷۰، ص ۲ و ۱؛ پورداوود، ۱۳۸۱؛ فرمین، ۲۰۱۲؛ مرادی غیاث‌آبادی، ۱۳۹۲؛ فروردین‌یشت، کرده ۲۴، بند ۹۳). در این آیین، هر زرتشتی موظف است تا مطابق با خواست زرتشت و/هور/مزد/بر آبادی جهان، یعنی بر رامش و شادی آن، بیفزاید. هرگونه آبادسازی جهان نیز مانند کاشتن درخت یا مراقبت از حیوانات نیز خود نوعی

راستی ورزیدن و مبارزه با بدی تلقی می‌شود (همان: وندیداد، فرگرد سوم، بخش سوم، بند ۳۱). از سوی دیگر، آبادانی جهان به معنای حفظ آن در برابر هر نوع آلودگی نیز هست؛ زیرا بنا بر آموزه‌های گات‌ها، آفریده‌های مزدا همه پاک و منزهداند و باید از آنها در برابر نیروهای اهریمنی که برای نابودی جهان می‌کوشند و می‌خواهند تا دست‌ساختهٔ اهورا را آلوده کنند، مراقبت کرد (عروج‌نیا، ۱۳۹۵). در وندیداد (آیین ضد دیو)، هر مؤمنی باید هنگام پاک کردن آب، خاک، گیاه و حیوان، دعاهایی را بخواند و پاکیزه نگاه داشتن آب، خاک و آتش و حتی فلزات از هرگونه چرک و...، از وظایف هر زرتشتی است (گلدنر، ۱۳۸۱، یسنه، هات ۶ بند ۱۵؛ رایشلت، ۱۳۸۳، یسنه، هات ۶ بند ۱۵؛ دوست‌خواه، ۱۳۷۰، ص ۱ و ۲؛ پورداوود، ۱۳۸۱؛ فرمین، ۲۰۱۲؛ مرادی غیاث‌آبادی، ۱۳۹۲؛ وندیداد، فرگرد یازدهم، کرده ۹-۱۰).

۲-۵. رویکرد حیات‌محور

طبق این نظریه، نه فقط انسان، بلکه حیوانات، گیاهان و جمادات نیز شایستهٔ ملاحظات اخلاقی‌اند. بدون تردید، دیدگاه اسلام را در این نظریه می‌توان مطرح کرد؛ چراکه آموزه‌های اسلامی طبیعت را تسبیح‌گوی و دارای شعور و قهراً دارای حیات می‌داند. خداوند می‌فرماید: «إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَمْ تُفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا» (اسراء: ۴۴)؛ هیچ چیز نیست، مگر اینکه در حال ستایش، تسبیح او می‌گوید؛ ولی شما تسبیح آنها را در نمی‌یابید. به راستی که او همواره بردبار آمرزنده است. برخی همچون امام خمینی^{علیه السلام} بر این عقیده‌اند که همهٔ عالم دارای شعور است و تسبیح موجودات تسبیح تکوینی نیست؛ بلکه تسبیح شعوری است (موسوی خمینی، بی‌تا، ص ۲۲۵). این شعور و آگاهی به حدی است که حتی موجودات طبیعت، به اعمال و رفتار ما هم درک و شعور دارند و آنها را ثبت و ضبط می‌کنند (قلی‌زاده برندق، ۱۳۸۸).

۲-۶. رویکرد اسلامی

رویکرد اسلامی ناظر به برداشت علما و متفکران اسلامی از آیات و روایات است؛ متفکرانی همچون آیت‌الله جوادی *آملی*، سیدحسین نصر و... البته این مهم مورد توجه متفکران خارجی، از جمله فضلون خلید، جوان اوبرین و ماویل عزودین نیز بوده است. ایشان علل بحران‌های زیست‌محیطی را بحران‌های ذهنی و معنوی انسان می‌دانند و علل دیگری همچون حاکم شدن فرهنگ صنعتی بر فرهنگ سنتی، حاکم شدن مبانی فلسفی مدرن، گسترش ارزش‌های مادی‌گرایانه، توجه نکردن به ارزش‌های روحانی و اهداف معنوی، سلطه بر طبیعت، جدایی علم از امر قدسی، بی‌ایمانی، منفعت‌طلبی، اسراف و اتراف را نیز از علل اصلی بحران‌های زیست‌محیطی یافته‌اند (ر.ک: خالد و اوبرایان، ۱۹۹۲، ص ۳۲؛ ایزی دین، ۱۹۹۷، ص ۳۳۲-۳۳۹؛ جوادی *آملی*، ۱۳۸۸، ص ۱۰؛ نصر، ۱۳۷۹، ص ۸). در تبیین رویکرد اسلامی به محیط‌زیست و منابع طبیعی، از جمله آب، می‌توان از آیات و روایات استفاده کرد.

در مقام جمع‌بندی می‌توان گفت: ۱. در رویکردهای توحیدی و خالق‌محور، همان‌طور که انسان در محیط اجتماعی به ارزش ذاتی افراد همنوع خود احترام می‌گذارد، باید ارزش ذاتی سایر موجودات طبیعی را نیز محترم

بشمارد. ۲. در رویکرد یهودیت، گرچه در مواردی نگاهی انسان‌محورانه و تملک‌گرایانه به طبیعت استنباط می‌شود، منتها به‌طور کلی این مفهوم قابل برداشت است که به‌رغم خلقت جهان طبیعت برای انسان، انسان‌ها نیز در برابر طبیعت احساس مسئولیت دارد. ۳. در الهیات زیست‌محیطی مسیحیت، ارتباط تنگاتنگی میان انسان و طبیعت وجود دارد و نگاه الهی و معنوی به طبیعت و مؤثر دانستن سقوط معنوی انسان در بحران‌های زیست‌محیطی مورد توجه قرار گرفته است. ۴. در آیین زرتشت، رویکرد ستایش عناصر طبیعی و تقدیس آنها جایگاه ویژه‌ای دارد و بر اهمیت رسیدگی به اموری نظیر آب، آتش، خاک، گیاه، حیوان و حتی فلزات تأکید شده است. ۵. در رویکرد حیات‌محور، نه‌فقط انسان، بلکه حیوانات، گیاهان و جمادات نیز شایسته ملاحظاتی اخلاقی‌اند.

اما در تبیین رویکرد اسلامی به محیط‌زیست و منابع طبیعی، می‌توان از آیات و روایات متعدد و همچنین دلایل عقلی استفاده کرد:

۱-۲۶. رویکرد قرآن به حفظ آب، محیط‌زیست و منابع طبیعی

رویکرد قرآن کریم نسبت به حفظ آب، محیط‌زیست و منابع طبیعی رویکردی دو جانبه است. جنبهٔ وجوب و جنبهٔ حرمت؛ اما وجوب به معنای حفظ آب از آلودگی و از بین رفتن و حرمت به معنای حرمت نابودی آب و آلوده‌سازی آن.

الف) وجوب حفظ آب از جنبهٔ اهمیت حیاتی آن

«وَأَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا أَفَلَا يُؤْمِنُونَ» (انبیاء: ۳۰)؛ آیا کسانی که کفر ورزیدند، ندانستند که آسمان‌ها و زمین هر دو به‌هم پیوسته بودند و ما آن دو را از هم جدا ساختیم و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم؟ آیا [بازهم] ایمان نمی‌آورند؟

در مورد پیدایش موجودات زنده از آب، سه احتمال تفسیری وجود دارد:

الف) حیات همهٔ موجودات زنده وابسته به آب است؛ به‌ویژه آنکه بخش عمده‌ای از مواد تشکیل‌دهندهٔ بدن انسان و حیوانات از همین آب است؛

ب) همهٔ موجودات زنده از نطفه به‌وجود آمده‌اند؛

ج) حیات از آب آغاز شده است؛ یعنی موجودات تک‌سلولی اولیه نیز در آب اعماق اقیانوس‌ها به‌وجود آمده‌اند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱۳، ص ۱۶۵).

قرآن کریم در آیهٔ ۵۴ سورهٔ «فرقان»، آغاز آفرینش انسان را از آب دانسته است: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا». خداوند در قرآن آب را منشأ و مبدأ آفرینش کل موجودات می‌داند و می‌فرماید: «وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ» (نور: ۴۵). در آیهٔ ۳۰ سورهٔ «انبیاء» به‌صورت عام و کلی‌تر بیان می‌کند که هر چیز زنده‌ای را از آب قرار دادیم: «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا». سیدقطب در این باره می‌گوید: آیهٔ «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا» دربارهٔ حقیقتی

می‌گوید که دانشمندان اثبات آن را دستاوردی بزرگ برای علم می‌دانند و این دستاورد، همان سخن است که نخستین بستر و گهوارهٔ حیات، آب است. برخی دیگر «جَعَلْنَا» را به معنای «أَحْيَيْنَا» دانسته‌اند؛ به این معنا که خداوند هر موجود زنده‌ای را با آب حیات داده است؛ و نتیجه گرفته‌اند که آیه علاوه بر بیان مبدأ آفرینش، به تأثیر آب در ادامهٔ حیات موجودات نیز اشاره دارد. البته طبرسی نظر فوق را صحیح می‌داند و روایت عیاشی از امام صادق علیه السلام را با استناد به همین آیه می‌داند که فرمودند: «طعم آب، طعم حیات است». برخی گفته‌اند: با استناد به کشفیات علمی می‌توان گفت که مهم‌ترین عنصر تشکیل‌دهندهٔ یک سلول و همهٔ موجودات زنده، از حیوان گرفته تا نبات، آب است که در همهٔ فعل و انفعالات درون اجسام زنده، نقش اساسی دارد. بنابراین، آیه ناظر به همین حقیقت علمی است (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۹). علامه طباطبائی می‌نویسد: «مسئلهٔ ارتباط حیات با آب، که امروزه در سایر بررسی‌های علمی جدید روشن شده، معجزهٔ ماندنی قرآن کریم است. بنابراین به‌طور کلی سه نظریه دربارهٔ آیه مطرح شده است: ۱. هر موجود زنده‌ای از آب آفریده شده؛ ۲. هر موجود زنده‌ای از نطفه آفریده شده؛ ۳. حفظ و ادامهٔ حیات هر موجود زنده‌ای وابسته به آب است (همان).

(ب) نقش آب در خلقت انسان

در قرآن کریم دربارهٔ خلقت انسان می‌خوانیم: «خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ» (طارق: ۶)؛ از آب جهنده‌ای خلق شده است. «يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَ التَّرَائِبِ»؛ آن آب از میان پشت مردان و میان استخوان‌های سینهٔ زنان بیرون آید. گفته‌اند که چون مادهٔ منویّت در صلب و ترائب بیشتر است و صلب و ترائب به اوعیهٔ منی نزدیک‌ترند (اشکوری، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۷۵۷). «ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَّاءٍ مَهِينٍ» (سجده: ۸)؛ سپس [تداوم] نسل او را از چکیدهٔ آبی پست مقرر فرمود. کلمهٔ «نسل»، در اصل به معنای انفصال است. گویند «نسل الوبر عن البعير؛ کرک از شتر منفصل شد. فرزند را از آن جهت نسل می‌گویند که از انسان منفصل می‌شود (قرشی بنابی، ۱۳۷۵، ج ۸، ص ۲۷۸). «سالاله» از «سل» به معنای کشیدن است؛ مانند کشیدن شمشیر از غلاف و موی از خمیر و کشیدن پسر از پدر (همان). همچنین سالاله را چکیده و صاف شده گفته‌اند. این کلمه فقط دو بار در قرآن آمده است (مؤمنون: ۱۲؛ سجده: ۸). «مهین» به معنای حقیر و ضعیف، از «هون» به معنای خواری و حقارت است. این دو آیه و آیهٔ بعدی، در عین اینکه خلقت انسان را نشان می‌دهند، اشعار به لزوم هدایت انسان از جانب خداوند دارند و با آیهٔ «بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا» مربوط است (همان). همچنین مراد از «الانسان»، آدم و همسر اوست و «من ماء» ظاهراً بیان سالاله است؛ یعنی از صاف شده و از چکیده‌ای از بدن، که همان نطفه و آب حقیر باشد؛ که به‌ظاهر حقیر و بی‌قیمت، اما در واقع هر ذره‌ای از آن، دریایی از اسرار قدرت خداست. پس حقیر بودن، در نظر ماست (همان). همچنین آیاتی نظیر مرسلات: ۲۰؛ فرقان: ۵۴؛ نحل: ۴؛ غافر: ۶۷؛ قیامت: ۳۷؛ انسان: ۲؛ طارق: ۶، به‌واسطهٔ عموم و اطلاقشان به این مهم اشاره دارند.

ج) آیات مربوط به مسخر بودن منابع طبیعی و محیط زیست

قرآن در تبیین مصادیقی از منابع طبیعی و محیط زیست می‌فرماید: «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ وَالْفَلَكَ تَجْرَى فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِ وَيُوسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَّءُوفٌ رَحِيمٌ» (حج: ۶۵)؛ آیا ندیده‌ای که خدا آنچه در زمین است، به نفع شما رام کرد و کشتی‌ها در دریا به فرمان او روان اند و آسمان را نگاه می‌دارد تا [مبادا] بر زمین فروافتد، مگر به‌اذن خودش [باشد]؟ در حقیقت، خداوند به مردم سخت رئوف و مهربان است. از آیات دیگری همچون نحل: ۱۴ و ۱۲؛ عنکبوت: ۶۱؛ لقمان: ۲۰؛ جاثیه: ۱۲ و ۱۳ می‌توان همین مطلب را اصطیاد کرد.

د) آیات مرتبط به خلیفه الهی بودن بشر

قرآن در موضوع جانشینی انسان می‌فرماید: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَن يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (بقره: ۳۰)؛ و چون پروردگارت به فرشتگان گفت: من در زمین خلیفه‌ای می‌آفرینم، گفتند: آیا کسی را می‌آفرینی که در آنجا فساد کند و خون‌ها بریزد؛ حال آنکه ما به ستایش تو تسبیح می‌گوییم و تو را تقدیس می‌کنیم؟ گفت: آنچه من می‌دانم، شما نمی‌دانید. قرآن در مواردی به نعمت‌ها و ارزاق طبیعی عطاشده به انسان اشاره کرده است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء: ۷۰) یا در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ» (ملک: ۱۵)؛ اوست کسی که زمین را برای شما رام کرد؛ پس در فراخنای آن رهسپار شوید و از روزی [خدا] بخورید و رستاخیز به‌سوی اوست. طبیعتاً این نعمت‌ها بار مسئولیت را بر دوش انسان سنگین‌تر می‌کنند؛ چراکه انسان درباره هر نعمت و نحوه استفاده از آن مورد سؤال قرار خواهد گرفت.

هـ) آیات مربوط به قناعت

در آیات متعددی از قرآن، بر داشتن قناعت و نداشتن چشم طمع به اموال دیگران توصیه شده است: «لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَخَفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ» (حجر: ۸۸)؛ و به آنچه ما دسته‌هایی از آنان [کافران] را بدان برخوردار ساخته‌ایم، چشم مدوز و بر ایشان اندوه مخور؛ و بال خویش برای مؤمنان فروگستر. همچنین این مطلب در آیاتی نظیر طه: ۱۳۱؛ هود: ۱۵ و ۱۶ و ... مورد اشاره قرار گرفته است.

و) آیات حرمت فساد در زمین

آیات بسیار زیادی از قرآن بر حرمت فساد و لزوم پرهیز از آن وارد شده است: «الَّذِينَ يَتَّقُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (بقره: ۲۷)؛ همانانی که پیمان خدا را پس از بستن آن می‌شکنند و آنچه خداوند به پیوستنش امر فرموده است، می‌گسلند و در زمین به فساد

می‌پردازند؛ آنان اند که زیانکاران اند. همچنین می‌فرماید: «وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَعْتَكُمُ إِنَّا اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (بقره: ۲۲۰)؛ و خدا تباهکار را از درست‌کار بازمی‌شناسد و اگر خدا می‌خواست [در این باره] شما را به دشواری می‌انداخت. آری، خداوند توانا و حکیم است. در آیات دیگری همچون اعراف: ۱۴۲؛ ص: ۲۸؛ شعراء: ۱۵۲؛ روم: ۴۱ نیز به این مطلب اشاره شده است.

ز) آیاتی مربوط به نهی از تعدی به حق دیگران

در آیاتی از قرآن از ظلم به‌عنوان یک ردیلت اخلاقی یاد شده و به‌تبع آثار و عواقب آن، به‌شدت مورد نهی قرار گرفته است: «وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَمَاةُ اقْلَعِي وَغِيضَ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (هود: ۴۴)؛ و گفته شد: ای زمین! آب خود را فرو بر؛ و ای آسمان! [از باران] خودداری کن؛ و آب فروکاست و فرمان‌گزاره شد و [کشتی] بر جودی قرار گرفت و گفته شد: مرگ بر قوم ستمکار.

ح) آیات مربوط به عدم اسراف

در آیات بسیاری بر پرهیز از اسراف تکیه شده است: «وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْثَرًا وَالزَّيْتُونَ وَالرِّمَّانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (انعام: ۱۴۱)؛ و اوست کسی که باغ‌هایی با داربست و بدون داربست و خرما و کشتزار با میوه‌های گوناگون آن و زیتون و انار شبیه به یکدیگر و غیرشبهه پدید آورد. از میوه آن چون ثمر داد، بخورید و حق [بینویان از] آن را روز بهره‌برداری از آن بدهید؛ و [الی] زیاده‌روی نکنید که او اسرافکاران را دوست ندارد.

ط) نهی از آلوده کردن آب

با توجه به نقش مهم و حیاتی آب، اسلام آن را مادر نعمت‌ها برشمرده و پیدایش و رشد گیاهان و درختان و حیات بشر را در پرتو آن دانسته است (انبیاء: ۳۰؛ بقره: ۱۶۴) که همه مردم در آن شریک‌اند (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۷، ص ۱۱۴).

۲-۲. رویکرد احادیث به حفظ محیط‌زیست و منابع طبیعی

رویکرد احادیث به حفظ آب، محیط‌زیست و منابع طبیعی دارای دو جنبه است: جنبهٔ وجوب و جنبهٔ حرمت؛ اما وجوب به‌معنای حفظ آب از آلودگی و از بین رفتن، و حرمت به‌معنای حرمت نابودی آب و آلوده‌سازی آن است.

الف) وجوب میانه‌روی

رسول خدا ﷺ فرمودند: «خداوند تعالی هرگاه ماندگاری و رشد امتی را بخواهد، اعتدال و پاک‌دامنی را روزی‌شان می‌کند». امیرمؤمنان علیؑ هم فرمودند: «کسی که میانه‌روی کند، هلاک نمی‌شود» (لیثی واسطی، بی‌تا، ج ۱،

ص ۴۰۸). امام صادق علیه السلام نیز فرمودند: «به درستی که میانروی سبب بی‌نیازی است» (نراقی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۶۱۸). امام صادق علیه السلام فرمودند: «میانروی چیزی است که خدای - عزوجل - آن را دوست دارد و اسراف را ناخوش می‌دارد...؛ حتی دور ریختن زیاده نوشیدنی‌ات را» (تقی‌زاده اکبری، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۱).

ب) وجوب آبادسازی زمین

امیرمؤمنان علی علیه السلام به مالک ائشر فرمودند: «باید توجه تو به آباد کردن زمین، بیش از توجه به گرفتن خراج باشد؛ زیرا آن (خراج) جز در نتیجه آبادانی فراهم نمی‌آید» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، نامه ۵۳).

ج) توصیه به زراعت و کشاورزی

امام صادق علیه السلام فرمودند: «زراعت کنید و درخت بکارید؛ به خدا قسم، آدمیان کاری برتر و پاک‌تر از این نکرده‌اند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۳، ص ۶۸).

د) وجوب حفظ آب از جهت اهمیتش برای زمین

امام صادق علیه السلام فرمودند: «برای زمین پایداری نیست، مگر با آب» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۱، ص ۲۹۵). آن حضرت همچنین فرمودند: «خون در بدن به منزله آب در زمین است؛ به همین دلیل قوام زمین در آب است» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۵۵). همچنین فرمودند: «پایداری دنیا با سه چیز است: آتش، نمک و آب» (نمازی شاهرودی، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۷۷). امیرمؤمنان علیه السلام نیز در پاسخ به سؤال *رأس العجالت* که پرسید: «ما اصل الاشیاء» (ریشه اشیا چیست؟) فرمودند: «هو الماء»؛ ریشه همه چیزها آب است؛ چون خداوند فرموده است: «وجعلنا من الماء کل شیء حی» (قبانچی، بی‌تا، ج ۷، ص ۵۰۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۰، ص ۲۲۵؛ کوفی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۸۱). رسول اکرم صلی الله علیه و آله در تفسیر آیه مبارکه «وجعلنا من الماء کل شیء حی» فرمودند: «همه چیز از آب آفریده شده است» (نمازی شاهرودی، بی‌تا، ج ۹، ص ۴۸۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۷، ص ۲۰۸).

ه) نهی از اسراف آب

امام صادق علیه السلام فرمودند: «برای خداوند متعال فرشته‌ای است که اسراف وضو را می‌نویسد؛ همان گونه که نقصان و کم گذشتن آن را می‌نویسد» (حرعاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۱۹). آن حضرت همچنین فرمودند: «به درستی که اسراف، سبب فقر است» (نراقی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۶۱۸).

و) نهی از آلوده‌سازی آب

امام صادق علیه السلام فرمودند: «آب مورد نیاز مردم را آلوده نکن» (کلینی، ۱۴۳۰ق، ج ۳، ص ۶۵).

دین مبین اسلام در راستای هدایت انسان‌ها و ایجاد بینش و درک عمیق برای آنها، علاوه بر حوزه نقل، از حوزه عقلانیت انسان نیز یاد کرده و عقل وی را در جهت شناخت بهتر و وسیع‌تر، به‌ویژه در حوزه طبیعت جهان، به‌چالش فراخوانده است.

الف) تأثیر سیر در آفاق در معرفت انسان

سیر، گردش، مطالعه و دقت در طبیعت، آثار و فواید مختلفی برای انسان دارد. یکی از آثار ملاحظه طبیعت و دقت در جزئیات و بدایع آن، ایجاد بینش، معرفت و رویکردی شناختی برای انسان در حوزه نظم نظام عالم و پی بردن به قدرت آفریننده آن است. خداوند در آیات متعددی به نقش طبیعت در ایجاد معرفت و بینش برای انسان اشاره کرده است: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (عنکبوت: ۲۰)؛ بگو: در زمین بگردید؛ پس با تأمل بنگرید که چگونه مخلوقات را آفرید؛ سپس خدا جهان آخرت را ایجاد می‌کند؛ زیرا خدا بر هر کاری تواناست.

ب) تأثیر تفکر در طبیعت در امر عبرت‌آموزی

پدیده‌های هستی و جهان خلقت و طبیعت، عجایب و ظرایف بسیار زیاد و متنوعی دارند که تفکر، تعقل و تأمل انسان در آنها موجب پندگیری و عبرت‌آموزی برای وی خواهد شد. خداوند در آیات متعددی از قرآن این امر را مورد توجه و تبیین قرار داده است: «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (حدید: ۱۷)؛ بدانید که خدا زمین را پس از مردگی‌اش زنده می‌کند. همانا ما نشانه‌های [ی ربوبیت و قدرت خود] را برای شما بیان کردیم تا بیندیشید.

ج) لزوم شکر منعم

فطرت و ذات طبیعی هر انسان اقتضای آن را دارد تا در قبال لطف یا نعمتی که از سوی دیگران به وی تعلق می‌گیرد، سپاسگزاری کند و نعمت وی را ارج نهد؛ و این وظیفه‌ای است که عقل سلیم انسان به بداهت بر آن حکم می‌کند.

این وظیفه عقلانی در مقیاس انسان‌ها در قبال یکدیگر مطرح است و در قبال روابط بین انسان و خداوند، به‌طریق اولی قابل طرح است. خداوند در قرآن به این امر اشاره می‌کند: «وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ» (اعراف: ۱۰)؛ و شما را در زمین جای دادیم و در آن برای شما وسایل و ابزار زندگی قرار دادیم؛ ولی بسیار اندک و کم سپاس می‌گزارید. قرآن، از یک‌سو به اهمیت منابع زیست‌محیطی و طبیعی و نقش آنها در زندگی انسان اشاره کرده و از سوی دیگر بر لزوم حفظ و صیانت از آنها و از جنبه‌ای دیگر بر تلازم آن با برخی

اصول اخلاقی تأکید نموده است. چنان که در حوزهٔ احادیث به اهمیت این منابع و رابطهٔ آن با احکام شرعی اشاره شده است. همچنین در حوزهٔ دلایل عقلی نیز در ایجاد آموزه‌هایی نظیر سیر معرفتی انسان در آفاق، تأثیر تفکر عبرت‌آموز در طبیعت، و لزوم شکر منعم، اثرگذار بوده است.

۳. مقایسه

در مقام مقایسه، دیدگاه‌های غیرتوحیدی با طرح برخی مفاهیم و قطع نظر از اختلافات جزئی، به‌طور عموم قائل به احترام به طبیعت و پرهیز از ضرر به آن هستند؛ مفاهیمی همچون نگاه منفی‌نگرانهٔ ثنویت به خداوند به‌عنوان خصم طبیعت؛ و در مواردی دید مثبت به خدا به‌عنوان مالک طبیعت یا شوهر طبیعت؛ و در برخی موارد عینیت و تجسم یافتن خداوند در طبیعت؛ انسان به‌عنوان محور ارزش‌گذاری به‌شروط عدم آسیب رساندن به غیر و ارزشمندی اشیای مورد استفادهٔ انسان و فقدان ارزش ذاتی و معنوی طبیعت و داشتن ماهیت ابزاری (انسان‌محور)؛ به‌چالش کشیدن نگاه سلسله‌مراتبی به زنان و طبیعت و بهبود جایگاه طبیعت و زنان (اکوفمینیسم)؛ تأکید بر وحدت بین انسان و کلیهٔ موجودات هستی (اکولوژی زیست‌محیطی)؛ متعهد بودن انسان در برابر طبیعت و داشتن نگاهی از منظر حقوق شهروندی بدان (شهروند زیست‌محیطی لیبرال)؛ برخورداری طبیعت از ارزش ذاتی و فی‌نفسه (طبیعت‌محور)؛ تأکید بر این مطلب که انسان جزئی از اکوسیستم است و ضمن تعهد به حفظ حقوق دیگر گونه‌ها، حق بهره‌مندی از منابع طبیعی را دارد (جامع‌نگر). در این حوزه با تعدد آرای مختلف سلبی و ایجابی دربارهٔ طبیعت و خدا مواجهیم که گاهی رابطهٔ این دو را از مقولهٔ تضاد یا این‌همانی پنداشته‌اند؛ حال آنکه در نگاه انسان‌محور، طبیعت به‌منزلهٔ ابزار و برخلاف تعالیم اکوفمینیسم، اکولوژی ژرف، شهروند زیست‌محیط لیبرال و طبیعت‌محور است؛ زیرا رویکردهای امور اخیر، درصدد تبیین جایگاه طبیعت و حق انتفاع به‌شروط عدم افراط یا تفریط‌اند که مشابه رویکرد جامع‌نگر است؛ اما این آموزه در دیدگاه‌های توحیدی در قالب گزاره‌هایی همچون احساس مسئولیت انسان در برابر طبیعت به‌رغم خلقت طبیعت برای او (یهودیت)، ارتباط تنگاتنگ انسان و طبیعت (مسیحیت)، ستایش عناصر طبیعی و تقدیس آنها (زرتشت)، سزاواری ملاحظهٔ اخلاقی حیوانات، گیاهان و جمادات در کنار انسان (حیات‌محور)، مشهود و مورد تأکید بوده است و با دیدگاه غیرتوحیدی، از جهاتی دارای اشتراک است؛ با این تفاوت که در اغلب دیدگاه‌های توحیدی، انتساب طبیعت به خداوند به‌عنوان مخلوق و نعمت تأثیرگذار الهی مورد توجه قرار گرفته یا بر آن تأکید شده و درعین‌حال وظایف و دستورالعمل‌هایی در قبال آن تعیین گردیده است؛ اما این مهم در آموزه‌های اسلام به‌صورت گسترده و وسیع‌تر، با مقیاسی بالاتر از سایر مکاتب غیرالهی و الهی مورد تأیید قرار گرفته است و ضمن تأکید بر انتساب اشیا و امور طبیعی و زیستی به خدای تعالی، در سه حوزهٔ قرآن، احادیث و تکیه بر محور عقلانیت (در قالب تأثیر سیر در آفاق، تفکر در طبیعت و عبرت‌آموزی، لزوم شکر منعم در معرفت انسان)، به تبیین

احکام، آثار، فواید و وظایف انسان‌ها در قبال آنها پرداخته است و گویی ارتباط و انتساب به خالق و منبع هستی در این آموزه، به صورت واضح و متقن مورد تبیین قرار گرفته است؛ درحالی‌که این نوع رابطه (طبیعت و خدا)، در سایر آموزه‌ها (غیرالهیاتی یا الهیاتی غیراسلامی) کم‌رنگ و در مواردی حتی مبهم و منقطع از استناد به منبع مورد وثوق عقلی یا نقلی است. با این حال، با توجه به الهی بودن برخی ادیان و هم‌گرایی سایر ادیان غیرالهی با آنها در برخی حوزه‌ها، و تطبیق آن با فطرت سلیم انسانی، قانون‌های نشئت‌گرفته از ادیان، در جهت حیات سالم انسان در محیطی پاک و عاری از آلودگی زیستی مطرح شده‌اند. لذا مطابقت فعالیت‌های بشری با اصول دینی و طبیعتاً نظام طبیعی، می‌تواند به‌عنوان عاملی اساسی در مسیر زیست سالم و عاری از فساد در طبیعت و دارای نقشی بازدارنده در مهار شتاب در علم‌زدگی و مادی‌گرایی به‌شمار آید.

تأکید بر وحدت میان انسان و کل موجودات	اکولوژی زیست‌محیطی	رویکرد غیر توحیدی
تعهد انسان در برابر طبیعت و نگاه به آن از منظر حقوق شهروندی	رویکرد شهروند زیست‌محیطی لیبرال	
ارزش ذاتی و ارزشمندی فی‌نفسه طبیعت	طبیعت‌محور	
انسان جزئی از اکوسیستم است و (ضمن تعهد به حفظ حقوق دیگر گونه‌های زیستی و غیرزیستی) حق بهره‌مندی از منابع طبیعی را تا آنجا دارد که موجب خسارات جبران‌ناپذیر نشود	جامع‌نگر	رویکرد توحیدی
احساس مسئولیت انسان در برابر طبیعت، به‌رغم خلقت طبیعت برای انسان	رویکرد یهودیت	
ارتباط تنگاتنگی میان انسان و طبیعت	رویکرد مسیحیت	
رویکرد ستایش عناصر طبیعی و تقدیس آنها	رویکرد آیین زرتشت	
شایسته ملاحظه اخلاقی داشتن حیوانات، گیاهان و جمادات در کنار انسان	رویکرد حیات‌محور	
آیات	دیدگاه اسلامی	
روایات		
دلیل عقل: تأثیر سیر در آفاق در معرفت انسان، تأثیر تفکر در طبیعت و عبرت‌آموزی، لزوم شکر منعم		

نتیجه‌گیری

منابع طبیعی و محیط‌زیستی از اهمیت بسیار زیادی در نظر متفکران و بنیان‌گذاران ادیان مختلف و دیدگاه‌های متفاوت برخوردار است. خلاصه این رویکردها را می‌توان به رویکرد توحیدی و غیرتوحیدی تقسیم

کرد. رویکردهای غیرتوحیدی همچون رویکرد الحادی، رویکرد انسان‌محور، رویکرد اکوفمینیسم، رویکرد اکولوژی ژرف، رویکرد شهروند زیست‌محیطی لیبرال، رویکرد طبیعت‌محور و رویکرد جامع‌نگر، گاه به ارائه نظریه در جنبه‌های محدودی از جهات متفاوت منابع طبیعی و محیط‌زیستی و مدیریت آنها پرداخته‌اند. در رویکردهای توحیدی همچون رویکرد خالق‌محور، رویکرد بهبودیت، رویکرد مسیحیت، رویکرد زرتشتی، رویکرد حیات‌محور و رویکرد اسلامی، رویکردهای مختلف دینی در این باره ارائه کرده‌اند. در مقام مقایسه، دیدگاه‌های غیرتوحیدی عموماً قائل به احترام به طبیعت و پرهیز از ضرر به آن هستند که با دیدگاه توحیدی مشترک است؛ با این تفاوت که در اغلب دیدگاه‌های توحیدی، انتساب طبیعت به خداوند مورد توجه قرار گرفته و وظایفی تعیین شده است. طبیعت در آموزه‌های اسلامی در مقیاسی بالاتر از سایر مکاتب غیرتوحیدی و توحیدی، مورد تأیید قرار گرفته و ضمن تأکید بر انتساب آنها به خداوند متعال، در سه حوزه قرآن، احادیث و عقلانیت، به تبیین احکام، آثار و وظایف متعدد انسان‌ها در قبال آنها پرداخته است.

منابع

قرآن کریم، ۱۳۸۳، ترجمه حسین انصاریان، قم، اسوه.

نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ترجمه محمد دشتی، قم، مشهور.

کتاب مقدس (ترجمه قدیم)، ۱۳۸۴، تهران، اسما.

کتاب مقدس عهد عتیق و عهد جدید، ۱۳۶۵، تهران، نبأ.

کتاب مقدس عهد عتیق و عهد جدید، ۱۹۰۱م، لندن، بیبل سوسائیتی.

کتاب مقدس فارسی، ۱۳۶۲، تهران، انجمن کتاب مقدس ایران.

کتاب مقدس، ۱۳۷۹، تهران، اساطیر.

کتاب مقدس، بی تا، عهد عتیق و عهد جدید، بی جا.

عهد عتیق و عهد جدید، ۱۹۸۰م، کتاب مقدس، تهران، انجمن پخش کتب مقدسه.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، تحف العقول، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.

اشکوری، محمدبن علی، ۱۳۷۳، تفسیر تشریف الهیجی، تهران، دفتر نشر داد.

انصاری، معصومه و فاطمه لاجوردی، ۱۳۹۱، «دین یهود و مسائل زیست محیطی»، پژوهشنامه ادیان، سال ششم، ش ۱۱، ص ۲۹-۴۶.

بنسن، جان، ۱۳۸۳، اخلاق زیست محیطی، ترجمه محمدمهدی رستمی شاهرودی، تهران، سازمان حفاظت محیط زیست.

پارساپور، زهرا، ۱۳۹۱، «بررسی مطالعات جهانی اخلاق زیست محیطی و لزوم آموزش مبانی مشترک آن»، پژوهشنامه علم و دین،

سال سوم، ش ۲، ص ۲۵-۴۳. پالم، جوی ای، ۱۳۹۰، آموزش محیط زیست در قرن بیست و یکم، ترجمه محمدعلی خورشیددوست،

تهران، سمت.

پورداوود، ابراهیم و دیگران، ۱۳۶۴، تورات با ترجمه فارسی کتاب مقدس عهد عتیق تورات، تهران، انجمن فرهنگی اوتصرهتورا، گنج دانش.

_____، ۱۳۸۱، یادداشت های گات ها، تهران، اساطیر.

تقی زاده اکبری، علی، بی تا، فقه انضباطی، بی جا، بی نا.

جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، اسلام و محیط زیست، قم، اسراء.

حبیبی، محمدحسن، ۱۳۸۲، «حق برخورداری از محیط زیست سالم به عنوان حق بشریت»، فصلنامه سیاست، ش ۶ ص ۱۳۱-۱۷۰.

حرامعلی، محمدبن حسن، ۱۴۱۲ق، هدایه الامة إلى احکام الائمة، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه.

حسینی، سیدمحمد و مهرداد محمدی، ۱۳۹۶، «واکاوی حق بشر بر محیط زیست»، مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال ششم،

ش ۱۲، ص ۱۲۷-۱۵۱.

دارالسلطنه لندن، ۱۹۲۰م، کتاب مقدس عهد عتیق و عهد جدید ترجمه زبان اصلی عبرانی کلدانی و یونانی، لندن، دارالسلطنه لندن،

به نققه برتس و فورن بیبل سوسائیتی، برادران آنوین.

دودمان کوشکی، علی، ۱۳۸۸، «پاسداری از منابع طبیعی در راستای اصول اخلاق زیستی و حفظ سلامت انسان از دیدگاه قرآن»،

اخلاق پژوهشی، ش ۸ ص ۴۵-۷۶.

دوستخواه، جلیل، ۱۳۷۰، اوستا (کهن ترین سرودها و متن های ایرانی)، تهران، مروارید.

رایشلت، هانس، ۱۳۸۳، رهیافتی به گاهان زرتشت و متن های نو اوستایی، گزارش جلیل دوستخواه، تهران، ققنوس.

رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۸۷، تفسیر قرآن مهر، قم، پژوهش های تفسیر و علوم قرآن.

سپهری، یدالله، ۱۳۸۸، «تأثیر رویکردهای دینی در مخاطرات و حوادث غیرمترقبه طبیعی و تحمل آسیب های بعد از حادثه»، در:

همایش ملی علوم و مهندسی آبخیزداری ایران (مدیریت پایدار بلایای طبیعی).

ظاهرپور، محمدرشید و همکاران، ۱۳۹۵، «مبانی، اصول و روش های تربیت شهروند زیست محیطی از دیدگاه اسلام»، پژوهش در

مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیست و چهارم (دوره جدید)، ش ۳، ص ۵۴-۸۸.

عروج نیا، پروانه و لیلا هوشنگی، ۱۳۹۵، «متون دینی زرتشتی و محیط زیست: نقش انسان در آبادانی زمین و طبیعت»، پژوهشنامه

ادیان، سال دهم، ش ۲۰، ص ۱۱۱-۱۳۱.

فتایی، ابراهیم، ۱۳۹۴، «محیط زیست از منظر قرآن»، در: اولین کنفرانس ملی علوم و مدیریت محیط زیست.

- فراهانی فرد، سعید و یوسف محمدی، ۱۳۸۸، «مبانی اخلاقی محیط‌زیست از نگاه اقتصاد متعارف و قرآن»، *قبسات*، ش ۵۳، ص ۱۷۹-۲۰۹.
- فرخنده‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۷، «تحلیلی بر مبانی فلسفی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست»، *ساخت*، ش ۷۹، ص ۲۳۵-۲۴۹.
- فرمین، نیما، ۲۰۱۲م، *کاتاها سرودهای مینوی زرتشت*، ترجمه فرامرز دادرس، تهران، فرهنگ ایران.
- فقفور مغربی، حمید، ۱۳۹۰، «مبانی معرفت‌شناسانه اسلامی در محیط‌زیست»، *اخلاق زیستی*، ش ۲، ص ۱۵۹-۱۹۲.
- فهیمی، عزیزالله، ۱۳۸۷، «فلسفه حقوق محیط‌زیست و آثار آن»، *پژوهش‌های فلسفی - کلامی*، ش ۳، ص ۱۰۷-۱۱۷.
- و علی مشهدی، ۱۳۸۸، «ارزش ذاتی و ارزش ابزاری در فلسفه محیط‌زیست از رویکرد فلسفی تا راهبردهای حقوقی»، *پژوهش‌های فلسفی کلامی*، سال یازدهم، ش ۱، ص ۱۹۵-۲۱۶.
- قیانچی، سیدحسین، بی‌تا، *مسندالامام علی*، بی‌جا، بی‌نا.
- قرشی بنایی، علی‌اکبر، ۱۳۷۵، *تفسیر احسن‌الحديث*، تهران، بنیاد بعثت.
- قلی‌زاده برندق، احدالله، ۱۳۸۸، «اخلاق محیط‌زیست»، *کوثر معارف*، سال پنجم، ش ۱۲، ص ۶۳-۸۳.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۳۰ق، *الکافی*، بیروت، دارالحدیث.
- کوفی، محمدبن سلیمان، بی‌تا، *مناقب أميرالمؤمنین*، بی‌جا، بی‌نا.
- گلدنر، کارل فردریش، ۱۳۸۱، *اوستا*، پیشگفتار ژاله آموزگار، تهران، اساطیر.
- گلن، ویلیام، ۱۸۵۶م، *کتاب مقدس: عهد عتیق و عهد جدید*، لندن، دارالسلطنه لندن، دارالطباعة ولیم واطس به نفقه برتس و فورن بیبل سوسایتی.
- و مرتن هنری، ۱۳۷۹، *کتاب مقدس عهد عتیق و عهد جدید*، ترجمه فاضل خان همدانی، تهران، اساطیر.
- گری، کامستوک ال، ۱۳۸۷، «خداباوری و اخلاق زیست‌محیطی»، ترجمه انشاءالله رحمتی، *اطلاعات حکمت و معرفت*، سال سوم، ش ۱، ص ۶۰-۶۵.
- لاویان، الناز، ۱۳۸۰، «عشق سبز، موسی و محیط‌زیست»، در: *همایش بین‌المللی محیط‌زیست، دین و فرهنگ*.
- لیثی واسطی، علی‌بن محمد، بی‌تا، *عیون الحکم و المواعظ*، بی‌جا، بی‌نا.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- محدث نوری، میرزا حسین، ۱۴۰۸ق، *مستدرک الوسائل*، بیروت، مؤسسه آل‌البیت.
- محقق داماد، سیدمصطفی، ۱۳۸۵، «اخلاق زیستی»، *اطلاعات حکمت و معرفت*، ش ۶، ص ۱۵۴-۱۵۶.
- ، ۱۳۹۳، «الهیات محیط‌زیست»، *فرهنگستان علوم*، ش ۱۷، ص ۷-۳۰.
- مرادی غیاث‌آبادی، رضا، ۱۳۹۲، *کاتانی زرتشت*، تهران، پژوهش‌های ایرانی.
- مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲، *دایرةالمعارف قرآن کریم*، قم، بوستان کتاب.
- موسوی خمینی، روح‌الله، بی‌تا، *آداب الصلوة*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- نراقی، ملااحمد، ۱۴۰۸ق، *عوائدالایام*، قم، مکتبه بصیرتی.
- نصر، سیدحسین، ۱۳۷۹، *انسان و طبیعت*، ترجمه عبدالکریم گواهی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی.
- ، ۱۳۸۸، «دین و بحران زیست‌محیطی»، ترجمه محسن مدیرشانه‌چی، *نقد و نظر*، ش ۱۷، ص ۸۸-۱۰۷.
- نمازی شاهرودی، علی، بی‌تا، *مستدرک سفینه البحار*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- Bell, D R., 2005, "Liberal environmental citizenship", *Environmental Politics*, N. 14 (2.), p. 23-38.
- Hoffman, Andrew John & Sandelands, Lloyd, 2004, "Getting Right with Nature: Anthropocentrism, Ecocentrism and Theocentrism", *Organization and Environment*, V. 18, N. 2, p. 141-162.
- Izzi Dien, M., 1997, "Islam and the Environment: theory and practice", *Journal of Beliefs & Values*, N. 18 (1), p. 47-58.
- Khalid, F. & O'Brien, J., 1992, *Islam and Ecology*, London, Cassell PLC Publishers.
- Mallory, Ch., 2013, "Locating ecofeminism in encounters with food and place", *Agric Environ Ethics*, N. 26, p. 171-189.
- Pettus, K., 1997, "Ecofeminist citizenship", *Hypati*, N. 12 (4), p. 132-155.

A Comparison of Theological and Non-Theological Approaches in the Field of Biological and Natural Resources

✉ **Seyyed Mujtaba Jalali**/ Assistant Professor at the Department of Islamic Knowledge,
Shahrekord University s.m.jalali@sku.ac.ir
Ali Taheri Dehnavi/ MA in Fiqh and the Fundamentals of Islamic Law, Shiraz University
Received: 2022/04/10 - **Accepted:** 2023/08/03

Abstract

Environmental issues and natural resources are very important in human societies; therefore, recognizing different approaches to them plays a great role in the health, hygiene, growth, life and survival of humans and animals. This research aims to comparatively study the theological and non-theological approaches in the field of biological and natural resources. The research question is: What are the theological approaches in the field of biological and natural resources? The method used in this research was descriptive-analytical. The research results obtained through the comparison of the views show that non-monotheistic views generally respect nature and avoid harming it and are similar to the monotheistic view in this regard. However, monotheistic views argue for the attribution of nature to God and determine duties in this regard, whereas nature is confirmed in the teachings of Islam on a higher level than other monotheistic and non-theistic schools. Islam emphasizes the attribution of nature to God Almighty and extensively explains the rulings, works and duties of humans in towards nature in the three domains of the Qur'an, hadiths and rationality.

Keywords: natural resources, non-theological approach, theological approach, Islamic approach.